

همه برای ایران سربلند

گام نخست

برای تغییر ریل مدیریت کشور

فردا انتخابات یازدهمین دوره

مجلس شورای اسلامی

و میان دور های مجلس خبرگان رهبری

برگزار می شود

رای به فهرست انتخاباتی در شکل گیری

مجلس قوی و پاسخگو کردن

جریان های سیاسی مؤثر است

کنگره آمریکا را برده اند.

اما از همه اینها تاسفبارتر، انحصار انتخابات های ایالات متحده در ۲ حزب دموکرات و جمهوری خواه است، چرا که روند انتخابات در ایالات متحده به گونه ای طراحی شده که عملاً حزب سوم قابلیت ظهور و بروز نداشته باشد و شما مجبور به انتخاب از میان ۲ حزب جمهوری خواه و دموکرات باشید (حزب سوم عملاً حمایت مالی نمی شود و...) موضوعی که بسیاری آن را دیکتاتوری در حزبی و من آن را «الیگارشی هوشمندانه» در آمریکا می نامم.

حالا انتخابات مقدماتی حزب دموکرات به عنوان یک محک جدی پیش روی آمریکاست و باید دید اندک امیدهای باقیمانده به سلامت انتخابات در آمریکا و حاکمیت واقعی دموکراسی در این کشور یا حذف امثال برنی سندرز، ناپود خواهد شد؟ چرا که هم اکنون هیلازی کلینتون، باراک اوباما، جان کری و سایر افراد جریان مرکزی حزب دموکرات علیه برنی سندرز سخن می گویند و بلومبرگ نیز با خرج های میلیاردی و رشد محبوبیتش، آخرین ضربات را به پیکر دموکراسی آمریکایی وارد می کند.

در پایان آنچه می تواند درسی جدی برای ما باشد، آن است که ما بیش از پیش باید قدر انتخابات سالم را در کشورمان بدانیم و از آن پاسداری و محافظت کنیم، چرا که پلوتوکراسی و الیگارشی از مدل آمریکایی اش، بیش از هر زمانی در کمین ما است!

قدر انتخابات مان را بدانیم!

گروه هایی که در ادبیات سیاسی این روزهای آمریکا به سوبریکها و لابی ها نیز معروفند و کلیدی ترین نقش را در به قدرت رساندن کاندیداها در پست های مختلف سیاسی آمریکاداراهستندموضوعی که یکی از مثال زدنی ترین نمونه های آن «جرج مک گاورن» است. مک گاورن دموکرات در سال ۱۹۷۲ میلادی یعنی در روزهای اوج جنگ ویتنام، رقیب ریچارد نیکسون از حزب جمهوری خواه در انتخابات ریاست جمهوری آن سال بود. او به دلیل مواضع تندش علیه جنگ ویتنام، کاهش بودجه نظامی آمریکا و عدم قبول حمایت لابی ها و موسسات مالی، مورد مخالفت جریان اصلی حزب جمهوری خواه در انتخابات ریاست جمهوری آن سال بود. او به دلیل مواضع تندش علیه جنگ ویتنام، کاهش بودجه نظامی آمریکا و عدم قبول حمایت لابی ها و موسسات مالی، مورد مخالفت جریان اصلی حزب جمهوری خواه در انتخابات ریاست جمهوری آن سال بود. او به دلیل مواضع تندش علیه جنگ ویتنام، کاهش بودجه نظامی آمریکا و عدم قبول حمایت لابی ها و موسسات مالی، مورد مخالفت جریان اصلی حزب جمهوری خواه در انتخابات ریاست جمهوری آن سال بود. او به دلیل مواضع تندش علیه جنگ ویتنام، کاهش بودجه نظامی آمریکا و عدم قبول حمایت لابی ها و موسسات مالی، مورد مخالفت جریان اصلی حزب جمهوری خواه در انتخابات ریاست جمهوری آن سال بود.

مسیری که شروع شده، بسیاری از دستاوردهای آن، غیر قابل بازگشت و ناپودناشدنی است و غرب برای خاموش کردن ندای محمدی حداقل باید چند قرن

آتی را شبانه روز وقف این مبارزه کند. مرزهای این مبارزه هم این بار دیگر در جبل الطارق نیست که در خود لندن، سازمان سیا و تمام نقاط غرب گسترته است، با سربازانی غربی که حالا مسلمانانی معتقدتر از خود ما شده اند. آمریکا و غرب در غرب آسیا حرفی برای گفتن نخواهند داشت، مگر آنکه به قول حضرت حافظ، آدمی و عالمی جدید خلق کنند، آن هم در یک قرن آتی! لذا مجموعه تحولات آنها در منطقه هر چه باشد، واجد ماهیت انبیا ای است و فاقد ابتکار عمل هستند. برده های دیروز تلاش دوباره ارباب متکبر و وحشی را برای تسلط بر خود خواهند پذیرفت. بزرگنمایی این غرب مفلوک و ارباب بی یال و دم از طریق معکوس جلوه دادن این معادله روشن، مصداق بارز خیانت به افکار عمومی است. قلم گرفتند، خبیات ها و جنایت های این ارباب خشن و خونریز، بخش دیگری از همین مسیر خبیانت بار است. سخن آخر با از راجع مجدد به سخنان رهبر بزرگوار انقلاب و علامه سیدحسین نصرالله درباره شجره ملعونه اسرائیل و آینده منطقه اینکه امیر مومنان علی(ع) می فرمایند: «از گمان های مؤمنان بپرهیزید، زیرا خداوند حق را بر زبان های ایشان نهاده است.»

صاحبان قدرت است تا جایی که حالا بسیاری «برنی سندرز» را نیز مک گاورن دوم می دانند و معتقدند او نیز به دلیل مخالفت های سنگینش با صاحبان ثروت و همچنین مخالفت با سیاست های نظامی آمریکا در سراسر جهان، با خشم جدی لابی ها مواجه است. البته آن طرف ماجرا نیز امثال مایکل بلومبرگ هستند. بلومبرگ که دهمین ثروتمند آمریکاست، با حضور ناگهانی اش در جریان رقابت های انتخاباتی حزب دموکرات، تئوری اهمیت پول و ثروت در انتخابات آمریکا را بیش از پیش تقویت کرد. او به واسطه ثروتش در بسیاری از اجتماعاتش غذا و مشروبات الکلی رایگان می دهد و فقط در یک ماه گذشته بیش از ۳۰۰ میلیون دلار صرف تبلیغات کرده است. تلاش هایی که البته مؤثر نیز بوده و با وجود عدم حضور او در رقابت های انتخاباتی در آیووا و نیوهامپشایر، او در رقابت های پیش رو و در نظرسنجی ها بخوبی خود را بالا کشیده و از شانس قابل توجهی برای پیروزی در سه شنبه بزرگ بر خرداد است. بلومبرگ صرفاً یک نمونه در نظام سیاسی ایالات متحده است و نقش پول و ثروت در به قدرت رسیدن نامزدها، تبدیل به قاعدای کلیدی در آمریکا شده است. به طور مثال زمانی که به مخرج نامزدها در انتخابات کنگره نگاه می کنیم، نزدیک به ۹۰ درصد نامزدهایی که بیشتر خرج کرده اند، انتخابات

آینده غرب آسیا به کجا می رود؟

هم گمان می کرد وقتی شلاق دستش باشد، مالک روح عموم هم خواهد شد. روح پیامبر اعظم(ص) اما آمده بود که بگوید چنان نیست، بلکه چنین است که «امریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند». حاج قاسم، شاگرد اول این مکتب جسور و پر قدرت بود. اینها که من گفتم، نه رجز خوانی است، نه خود شیرینی! منابع متعدد غربی مشحون از چنین تحلیل ها و گزاره های درباره حاج قاسم سلیمانی و مکتب حضرت امام خمینی(ره) است که بخشی از آنها در فضای داخل کشور ترجمه و باز نشر شده است.

غرب اما در یکی از تاریک ترین دوره های فکری و هژمونی خود در چند سده اخیر همچنان گمان می کند یا نسی پلوسی هم برایش کف می زند. کما اینکه اروپا هم چنین مواجهه ای با این ترور بزدلانه داشت. در مقابل اما رهبران این فکر جدید در کوران انحطاط دولت ها و اندیشه های غربی، با قطعیت از آینده ای که خواهند ساخت، سخن می گویند.

مردمی کمتر رئیس جمهور آمریکا شد. پیش تر نیز این اتفاق در سال ۲۰۰۰ میلادی در آمریکا به وقوع پیوسته بود. در آن زمان آل گور ۵۰۰ هزار رای مردمی بیشتر از جرج دلبیو بوش به دست آورده بود اما بوش که کاندیدای نهایی جمهوری خواهان بود، رئیس جمهور ایالات متحده شد. با وجود همه اینها و با تمام اشتکالاتی که به الکترا کالج وارد است و همواره طی سالیان متمادی مورد بحث موافقان و مخالفان زایدی بوده است، نمی توان آن را اصلی ترین تهدید دموکراسی در آمریکا معرفی کرد، چرا که به عقیده بسیاری، نقش بی بدیل ثروت و قدرت در مهندسی انتخابات های آمریکا، مهم ترین خطری است که انتخابات سالم را در این کشور تبدیل به یک رویا کرده است؛ مساله ای که موجب شده بسیاری از متفکران و صاحب نظران از نظام سیاسی آمریکا به عنوان یک پلوتوکراسی یا الیگارشی یاد کنند. در همین راستا «کوبین فیلیپس» نویسنده مشهور آمریکایی و استراتژیست سیاسی دولت ریچارد نیکسون می گوید: «ایالات متحده آمریکا نه یک دموکراسی بلکه یک پلوتوکراسی است که در آن پول و دولت شدت باهم ممزوج شده اند.» حقیقتی که شاید کمتر کسی بتواند آن را به زبان بیابورد اما این روزها حمایت صاحبان قدرت و ثروت حرف نخست را برای به قدرت رسیدن در نظام سیاسی ایالات متحده می زند؛

یادداشت

محمد مهدی عباسی: این

روزها اگر از کسی در هر جای کشور سوال کنیم به نظر شما مهم ترین چیزی که سلامت یک انتخابات را تحت الشعاع قرار می دهد چیست؟ بی شک به موضوع تخلف و تقلب و دستکاری در آرای مردم توسط حکومت ها و دولت ها اشاره خواهد کرد چرا که همواره به دلیل همهجماهای سنگین رسانه ای به انتخابات های ایران بویزه پس از قضایای سال ۸۸، بسیاری عدم سلامت انتخابات را مساوی با دخالت حکومت در آرا و تعیین نامزد نهایی از جانب حاکمیت می دانند. فارغ از نادرستی تمام این ادعاها پیرامون انتخابات های جمهوری اسلامی، امروز در ایالات متحده سلامت انتخابات به شکل علنی، حیرت برانگیز و منحصر به فردی مورد ابهام و سوال واقع شده است. عدم سلامتی که شاید در آمریکا نه از جنس تقلب مستقیم در آرا اما در تضاد کامل با دموکراسی و آرمان هایش است، زیرا شما در عمل رای داده اید و تغییری در رای شما به دست آورده، در حالی که آرای مردمی دونالد ترامپ (کاندیدای اصلی حزب دموکرات) ۶۵ میلیون رای مردمی به دست آورد، در حالی که آرای مردمی دونالد ترامپ (کاندیدای نهایی جمهوری خواهان) ۶۲ میلیون رای بود اما به دلیل وجود الکترا کالج و یا کسب آرای الکترا بیشتر، دونالد ترامپ با وجود ۳ میلیون رای

دیدگاه

حسن رضایی: در ک اینکه در

آینده چه رخ خواهد داد، کار آسانی نیست. سخت تر از این اما حتما ساختن آینده است. دنیای غرب، سابق بر این به معنای واقعی کلمه، در کار ساختن آینده بود. ابعاد این سازندگی هم از علم تا سیاست و از فرهنگ تا همه چیز گسترده بود. آنها مشخص می کردند افراد کدام ملت ها باید در زمین های حاصلخیز کالیفرنیا و پرویدنس، بین مزارع وسیع پنبه و غلات بردگی کنند، چه کسانی محکوم به بردگی ابدی در سرزمین پدروی خود هستند و کدام افراد باید با کشتی های حمل برده برای فروش به سواحل اروپا منتقل شوند. در یک کلام، در گسترهای به وسعت تمام کره زمین، آنها می گفتند چه کسانی باید در رده حیوانات بوده، کدام ها انسانند. مقاومت سرشت انسانی اما با رنج فراوان، اوضاع را تغییر داد و غرب دست از بردهداری کشید. یک گام جلوتر، جنگ های اول و دوم جهانی با ۱۵۰ میلیون قربانی، و جهان جامعه غربی را بشدت تکان داد و به آنها فهماند تولید صنایع جدید و قدرت آفرین، الزاما به معنای زندگی بهتر نخواهد بود.

دستگاه محاسباتی غرب از این مقطع به بعد عوض می شود، مکتب فکری جدید متولد می شوند، شک جای یقین را می گیرد و تلاش برای پیش بینی آینده نامعلوم، جای ساختن بی محابای آن را می گیرد.

نگاه

درباره ولایت نامه سردار شهید سلیمانی

دوام اسلام

بسته به ولایت فقیه است

حجت الاسلام محی الدین محمدیان *

بسیاری از تحلیلگران سیاسی و صاحب نظران اجتماعی در بررسی علل پیروزی انقلاب اسلامی و دوام حیات بیش از ۴۰ ساله آن به رغم مقابله های جدی و دشمنی های بزرگ با آن، به ۳ عنوان اساسی اشاره می کنند: «اندیشه اسلامی»، «راده ملی - مردمی» و «هبری دینی».

این سخن، گراف و بی پایه نیست بلکه عین حقیقت است تا جایی که دوست و دشمن به آن اعتراف دارند و با مشاهده حرکت های اجتماعی، سیاسی و خیزش های انقلابی معاصر انقلاب اسلامی نسبت به تئوریزه کردن این نظریه اقدام کرده اند.

یکی - یقیناً نظر به انقلاب اسلامی با عنوان سیاسی «جمهوری اسلامی» را بدون اتکالی آن به اندیشه اسلامی «باورها و بایدها» نمی توان تصور کرد و ظهور و بروز این اندیشه در قامت یک نظام سیاسی بدون حضور مردم که به فراخوان یک رهبر دینی پاسخ مثبت دهند، امکان پذیر نبود.

مردمی که حضور خود را در بیعت فراگیر در میدان عمل و انقلاب با جهاد و شهادت و در میدان حقوقی و سیاسی در پای صندوق آرا و نظر خواهی ملی آر فراترند! نشان داند و نظام مردم سالار دینی را بنیان نهند. بسیاری از صاحب نظران سیاسی که انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی را مورد مطالعه قرار داده اند، هسته مرکزی این عناصر سه گانه را، رهبری تشخیص داده اند که در قانون اساسی جمهوری اسلامی و متون دینی و حقوق اسلامی از آن تحت عنوان «ولایت فقیه» یاد می شود.

ولی فقیه از یک سو با اجتهاد مستمر و با اتکا بر مبانی دینی و قرآنی، دکترین حکومت دینی را به روز آوری و کارآمد و مشروعیت بخشی می کند و از سوی دیگر با تأکید بر حضور مردم و فراخواندن احماد ملت و پذیرش آنان، ضمن پاسداریست جمهوری و مردم سالاری مقبولیت و کارآمدی نظام را صیانت می کند.

دو - دوام این نظام سیاسی در گرو دوام عوامل ایجادکننده آن است، رهبری به عنوان حافظ کبان این نظام به تبعیت و پشتیبانی مردم، می تواند از آن صیانت و جامعه را برای رسیدن به نقطه کمال بخرد و آرزمان های آن هدایت کند.

اگر در بیان ساده و همه فهم هم اسام راحل رحمه الله علیه می شنومیم که فرمودند: «پشتیبان ولایت فقیه باشدید تا کشورتان آسیب نبیند» تأکید بر نقش اساسی این حلقه واسطه بین اندیشه اسلامی و حضور مردمی است. البته مردم ایران درستی این معنا را در طول این ۴ دهه انقلاب اسلامی به وضوح و رأی العین دیده اند.